

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: گرهارد فلدباور
فرستنده: مجله هفته- و یادداشت پورتال
۰۶ جون ۲۰۱۹

خطر یک جنگ داخلی به مناسبت ۳۰-مین سالگرد وقایع چین



در اوایل تابستان ۱۹۸۹ بحران سوسیالیسم واقعاً موجود در شرق اروپا رفته رفته آشکار می‌شد و امپریالیسم و ضدانقلاب کوشش می‌کردند از آن بهره‌گیری کنند. در این زمان همین‌طور در حزب کمونیست چین مناقشه بر سر ادامه راه سوسیالیسم به کمک انجام رفرم زیر رهبری حزب علیه یک فراکسیون لیبرال که خواستار احیای مناسبات سرمایه‌داری بود، جریان داشت. نیروهای عمده این فراکسیون از دانشجویان و روشنفکران تشکیل می‌شد که بخش بزرگی از آنان در دوران «انقلاب فرهنگی بزرگ پرولتری» به رهبری مائو تسه‌دونگ در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ به عنوان «عناصر راست» توییح و به اردوگاه‌های کار تبعید شده بودند.

در این اعتراضات که در اپریل ۱۹۸۹ در میدان «تیانمن» در بیجینگ آغاز شد، روشنفکران به ویژه استادان دانشگاه‌ها نیز شرکت داشتند که در سال‌های قبل ده‌ها هزار نفر از آنان در کشورهای اروپای غربی و ایالات متحده آمریکا تحصیل کرده بودند.

تنها در ایالات متحده آمریکا در سال ۱۹۸۹ تقریباً ۷۴۰۰۰ جوان چینی در دانشگاه‌ها و مدارس عالی این کشور تحصیل می‌کردند. در المان فدرال تعداد این افراد، از جمله کارآموزان تقریباً بالغ بر ۸۰۰۰ نفر بود. بسیاری از آنان این‌طور که بعدها آشکار شد از طرف سازمان‌های جاسوسی کشورهای نامبرده اجیر شده بودند.

خواست سرنگونی حزب و رهبری کشور اوج این سازوکار بود تا بتوان در چین نیز راه برای بازسازی سرمایه‌داری گشود. بنابر گزارش مجله «اشپیگل» در روز ۱۲ جون ۱۹۸۹:

مسئله بر سر این بود که آیا «چین یک کشور کمونیستی باقی می‌ماند» و یا «یک جامعه پلورالیستی» خواهد شد. نماد این خواست تندیس بزرگ «خداوند دموکراسی» یک تقلید ناشیانه از مجسمه آزادی در نیویورک بود که در میدان تیانانمن برپا شد.

غرب تهدید کرد که اگر خواست‌های «بحق» دانشجویان برآورده نشود، تحریم‌های اقتصادی و تجاری اعمال خواهد شد. تمام این قضیه به وسیله کارزار رسانه‌های بین‌المللی مشایعت می‌شد. با این پیش‌زمینه، وقایعی که از طرف رسانه‌های غربی «قیام خلق» نام گرفت، تشدید شد. طی روند این وقایع اقدامات مسلحانه نیز صورت گرفت. گشت‌های نظامی مورد حمله قرار گرفت، سربازان لینچ شدند و سلاح‌های به دست آمده علیه قدرت دولتی به کار گرفته شد. آژانس خبری المان DPA در آن زمان تصویر تانکی را که مورد حمله شورشیان قرار گرفته و به آتش کشیده شده بود، منتشر کرد. چندین ده سرباز و پولیس با خشونت به قتل رسیدند و اجساد آنان بر فراز رودخانه از پل آویزان شد.



روز ۱۹ می نخست‌وزیر کشور «لی‌پنگ» اعلام وضعیت اضطراری کرد. صدر کمیسیون مرکزی نظامی «دنگ شیائو پینگ» روز ۲۶ می اعلام کرد که چین با یک کودتای ضدانقلابی با شرکت سازمان جاسوسی سیا و کشورهای غربی روبه‌روست.

با وجود این، رهبری چین یک هفته تمام کوشش کرد غائله را از طریق مسالمت‌آمیز و با تعامل به پایان رساند. وقتی که دانشجویان از تخلیه میدان سرپیچی کردند، به ارتش و پولیس دستور داده شد میدان را تخلیه کنند. درگیری خونینی صورت گرفت که به مرگ تعداد زیادی که در بین آنان تعداد زیادی هم از افراد پولیس و سرباز نیز وجود داشت، انجامید.

اگر رهبری چین ۳۰ سال پیش در مقابل ضدانقلاب کوتاه آمده بود، ممکن بود این روند به یک جنگ داخلی ویرانگر به قیمت جان میلیون‌ها نفر بینجامد که جهان را به شکلی غیرقابل پیش‌بینی بی‌ثبات می‌کرد.

با دفاع از استقلال و راه رشد انتخابی خود به سوی جامعه سوسیالیستی، جمهوری خلق چین در میدان تیانانمن این روند بسیار خطرناک در سطح بین‌المللی را متوقف ساخت. بر این پایه اکنون به فاکتور تضمین‌کننده امنیت کوریای شمالی و هم‌پیمانی برای دفاع از استقلال کوبا و ونزوئلا و دیگر کشورهای آمریکای لاتین، افریقا و آسیا مبدل گشته است و از این طریق جمهوری خلق چین امروز روزنه‌امیدی است که در برابر کوشش‌های ایالات متحده آمریکا برای تحمیل سلطه جهانی آن مانعی به وجود آورده است.

منبع: دنیای جوان

تارنگاشت عدالت

یادداشت:

بدون آن که شکی در ضد انقلابی بودن خیزش میدان تیانانمن وجود داشته باشد، باید بنگاریم که آن حرکت به همان اندازه که متأثر از دخالت‌های امپریالستی و نهاد‌های استخباراتی آنها بود، ملهم از تغییرات اساسی بود که در ساختار اقتصادی چین زیر نام "مدرنیزاسیون در چهار رشته" که راه رویونیستی "تینگ سیاوپینگ" بود، به وجود آمده بود. "تینگ" و باندش با تغییراتی که در زیر بنای جامعه به وجود آورده بودند، نمی‌خواستند آن تغییرات ساختاری در عرصه روبنای سیاسی-اجتماعی جامعه نیز گسترش پیدا نماید.

در واقع درگیری میدان تیانانمن از هیچ طرف هیچ ربطی به "مارکسیزم-لنینیسم-اندیشه مائوتسه دون" نداشت، بلکه جنگی بود میان جناح‌های مختلف مناسبات سرمایه‌داری که یکی خواستار حاکمیت مناسبات سرمایه‌دارانه در زیر بنا و روبنا بود و آن دیگری ضمن آن که به تحکیم پایه‌های مناسبات سرمایه‌داری در زیر بنا می‌کوشید در روبنای سیاسی، عنصر دیکتاتوری حزب و طبقه جدید را رجحان می‌داد.

اداره پورتال AA-AA